

سیاست های پولی و مالی و متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی

ابراهیم صفرزاده^۱، رویا آل عمران^۲، علی پایتختی
اسکوئی^۳

چکیده

برای اعمال یک سیاست پولی و مالی موفقیت آمیز، لازم است مقامات اقتصادی ارزیابی صحیحی از زمان و میزان تأثیر این سیاست بر متغیرهای اقتصادی داشته باشند. برای این منظور درک و شناخت کافی ابزارها و مکانیسم‌هایی که از طریق آن سیاست پولی و مالی بر بخش‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد ضروری است. لذا تدوین یک استراتژی پولی و مالی متناسب با شرایط اقتصادی در کشورهای نظیر ایران و کشورهای اسلامی مانند عربستان، کویت و... که در دغدغه سیاست‌های اقتصادی اسلامی و حذف نرخ بهره و اجرای عدالت اقتصادی را دارند از اهمیت بالایی برخوردار است. نتایج تحقیق در قالب هشت فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از ابزارهای مختلفی مانند سایت‌های داخلی و مراجعه حضوری به کتابخانه‌ها صورت پذیرفت. همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار EXCEL و همچنین نرم افزار آماری EVIEWS13 استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد اثر سیاست مالی در کشورهای منتخب اسلامی بر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت‌ها و نرخ بهره مثبت و معنی دار و اثرات این سیاست بر نرخ ارز منفی و معنی دار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاست پولی و مالی، متغیرهای کلان اقتصادی، کشورهای اسلامی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. ebrahimsafarzadeh783@yahoo.com
^۲ گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) Aleemran@iaut.ac.ir
^۳ گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. oskooe@yahoo.com

Monetary and fiscal policy and macroeconomic variables in selected Islamic countries

Abstract

To implement a successful monetary and fiscal policy, it is necessary for economic authorities to have a correct assessment of the time and extent of the impact of this policy on economic variables. For this purpose, adequate understanding and recognition of the tools and mechanisms through which the monetary and fiscal policy affects the economic sectors is necessary. Therefore, developing a monetary and fiscal strategy appropriate to the economic conditions in countries such as Iran and Islamic countries such as Saudi Arabia, Kuwait, etc., which are concerned with Islamic economic policy and the elimination of interest rates and the implementation of economic justice, is of great importance. In order to collect the required information, this research was done from various tools such as internal websites and visiting libraries. Also, EXCEL software and EVIEWS13 statistical software were used to test the hypotheses and finally analyze the data. The research results have been examined in the form of eight hypotheses and the results show that the effect of fiscal policy in selected Islamic countries on the variables of GDP, price index and interest rate is positive and significant, and the effects of this policy on the exchange rate are negative and significant.

Keywords: Monetary and fiscal policy, macroeconomic variables, Islamic countries.

۱. مقدمه

تاریخ نظامهای اقتصادی بستر جدال دو اندیشه موافق و مخالف با دخالت دولت در اقتصاد بوده است (ونسنت، ۱۳۹۱). تعدادی از اندیشمندان را نظر بر این است که هر نوع هزینه دولتی، بدون در نظر گرفتن ماهیت سرمایه ای یا جاری بودن آن، تأثیری زیان آور بر عملکرد رشد می‌گذارد. چنین نظریه ای بر این مبنا قرار دارد که تصمیم‌گیری متمرکز، فقدان انگیزه سود و نبود رقابت (که از مشخصه های عملیات دولتی است) همواره موجب می‌گردد که تولید در بخش دولتی نسبت به تولید در بخش خصوصی، از کارآیی کمتری برخوردار باشد. تعدادی از اندیشمندان نیز حاضر به قبول بدون شرط کارآیی بخش خصوصی نیستند و طرفدار مداخله دولت آن هم به درجات مختلف می‌باشند. مهمترین مشخصه دخالت دولتها در اقتصادها از طریق سیاستهای مالی و پولی که شامل مخارج و درآمدهای دولت و کنترل حجم پول صورت می‌پذیرد. کنزینها با استدلال به این که سیاست مالی و پولی سطح تولید را افزایش می‌دهد موافق دخالت دولت می‌باشند. ولی کلاسیکها معتقدند که سیاست مالی و پولی تنها منجر به افزایش قیمتها می‌گردد و تأثیری بر تولید حقیقی ندارد. لذا با توجه به وجود اختلاف نظر در این زمینه این مطالعه درصدد نشان دادن اثرات سیاست مالی و پولی بر متغیرهای حقیقی اقتصاد بر اساس مکاتب اقتصادی می‌باشد (غنی نژاد، ۱۳۹۶).

نقش اصلی دولت در امور اقتصادی تا دهه ۱۹۳۰ میلادی، ایجاد محیطی بود که در آن محیط، نیروهای بازار بتوانند منابع تولید را به موارد استفاده متفاوت و رقیب، تخصیص دهند و نتیجه نهایی تولید را بین عوامل مختلف سهام در تولید، توزیع کنند. پس «سیاست» عبارت بود از: «برقراری و حفظ قوانین و نهادهایی که به نیروهای بازار امکان می‌داد تا بطور مؤثر یا کارآتر فعالیت کنند». اما به دستکاری مستقیم این نیروها کمتر توجه می‌شد. بین دو جنگ جهانی و مقبولیت نظر «کینز»، به سازماندهی مجدد نقش دولت در امور اقتصادی انجامید. بعد این سازماندهی، سیاست اقتصادی شکل صریحتری به خود گرفت. یعنی: «کوشش برای دستیابی همزمان به مجموعه ای از هدفهای اقتصادی عموماً پذیرفته شده». به عبارت دیگر، بعد از ارائه نظریه کینز، دولتها در تعیین هدفهایی برای سطح اشتغال، نرخ رشد، نرخ تورم

و وضعیت تراز پرداختها به طور روزافزونی تحت فشار بوده اند. که در این زمینه کالدور^۱ به سال ۱۹۷۱ اظهار می‌کند که: «حالا دیگر دولتها بوسیله معیار عملکرد و ایفای نقش مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، یعنی چیزی که در گذشته به شدت از آن پرهیز کرده بودند.» ایوانز^۲ (۱۹۹۵)، در طول دهه ۹۰ میلادی نیز بانک جهانی مرتباً در گزارشات سالانه خود به نقش دولتها در توسعه کشورها تأکید می‌کند و خواهان ایفای نقش فعالتر دولتها در اقتصاد کشورشان است. شایان ذکر است، مکاتب اقتصادی در مورد میزان اثرگذاری سیاستهای اقتصادی اختلاف نظر دارند (آریا، ۱۴۰۰). کنترل نرخ تورم و رشد اقتصادی از مهمترین اهداف اقتصادی دولتها می‌باشد که با بکارگیری ابزارهای مختلف پولی و مالی در صدد تحقق آن هستند. استراتژی‌های مختلف مالی و پولی برای این منظور به کار گرفته می‌شود که اثر متغیرهای کلان آنها می‌تواند متفاوت از اهداف و انتظارات سیاستگذاران باشد. مسأله‌ای که اغلب سیاستگذاران اقتصادی با آن مواجه هستند میزان اثرگذاری سیاستهای مالی و پولی بر بخش حقیقی اقتصاد و کارآمدی اقدامات انجام گرفته می‌باشد، پاسخ به این سوال شواهد و آزمون‌های تجربی را می‌طلبد تا با شناخت بیشتر از آثار سیاستهای پولی در بکارگیری این ابزار جوانب مختلف آن را سنجیده و با اثربخشی بیشتری به طراحی استراتژی‌های مناسب پردازند (داودی و سزاوار، ۱۴۰۱). برای اعمال یک سیاست پولی و مالی موفقیت‌آمیز، لازم است مقامات پولی ارزیابی صحیحی از زمان و میزان تأثیر این سیاست بر متغیرهای اقتصادی داشته باشند. برای این منظور درک و شناخت کافی ابزارها و مکانیسم‌هایی که از طریق آن سیاست پولی بر بخش‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد ضروری است. لذا تدوین یک استراتژی پولی و مالی متناسب با شرایط اقتصادی کشور در کشورهایی نظیر ایران و برخی از کشورهای اسلامی مانند عربستان، کویت و... که در معرض شوک‌های نفتی مختلفی قرار دارند از اهمیت بالایی برخوردار است.

از سوی دیگر همگرایی کشورهای مسلمان و دولت‌های آن از دیرباز در میان نخبگان کشورهای اسلامی مطرح و

۱-Kaldor

۲-Eivanz

به اشکال گوناگون پی گیری شده است. این تلاش ها بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تفرق امت اسلامی، که در نتیجه آن جهان اسلام حتی از یک وحدت صوری هم بی نصیب شد، به طور جدی تری دنبال شد. بررسی تاثیر سیاستهای اقتصادی در کشورهای مهم از جمله مسایلی است که به همگرایی اقتصادی بین کشورها و شناخت تاثیر گذاری سیاستها کمک می نماید. اقتصاد کشورهای اسلامی از چندین جهت شباهت هایی داشته که لزوم بررسی سیاستهای اقتصادی را ایجاب می نماید مانند :

- اکثر کشورهای اسلامی جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می شوند مانند اقتصاد کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، مالزی، عربستان و....

- اثر منابع نفتی و گازی در کشورهای اسلامی می باشد و صادرکننده این محصولات می باشند : مانند کشورهای عربستان، ایران، عراق، کویت، قطر و.....

در طول سالهای گذشته عدم اطمینان اقتصادی هم توسط سیاستگذاران و هم در مطالعات دانشگاهی در کشورهای به عنوان تأثیر بالقوه در نوسانات چرخه تجارت مورد توجه قرار گرفته است. بخش عمده ای از بحثها از این موضوع ناشی شده است که عدم اطمینان ممکن است موجب تأخیر در تصمیم گیری دولت، خانوارها و بنگاه ها شده و واکنش مورد انتظار سیاستگذاران را نسبت به شوکهای سیاستی نداشته باشند و این عامل موجب بی اثر شدن سیاستهای پولی و مالی شود. به عبارت دیگر در شرایطی که نااطمینانی بالا باشد سیاستگذاران ناچار هستند در انتخاب سیاست صحیح، قاطعیت و سرعت عمل بیشتری داشته باشند. با لحاظ جوانب امر لازم است که مدلهای مختلف اقتصاد سنجی جهت تبیین اثرگذاری سیاستهای اقتصادی بکار گرفته شود که مهمترین این سیاستها، سیاستهای پولی و مالی می باشد. یکی از ملزومات اعمال سیاست صحیح و موفق، اطلاع از آثار و پیامدهای آن می باشد. هنگامی که سیاستهای اقتصادی برای رشد اقتصادی یا مهار تورم یک سیاست انقباضی اجرا می کند، باید از میزان و سرعت واکنش سیاستها بر متغیرهای کلان آگاه باشد. در این راستا به منظور پاسخ به این ابهامات این پژوهش به دنبال، چگونگی تاثیر سیاست پولی و مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی می باشد.

مطالعات مختلفی در این زمینه در داخل و خارج کشور انجام شده که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

- یونیکسان^۱ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی نقش سیاست های مالی و پولی برای بهبود اقتصادی در چین پرداخته اند. بعد از همه گیری بیماری کوید ۱۹ در چین و اقتصاد جهانی که باعث کاهش رشد اقتصادی شده است در این مطالعه بر اساس زیربنای اقتصاد خرد و بر اساس مقایسه ای بین استانهای اقتصاد چین پرداخته شده است. بر اساس این مطالعه نشان می دهد که سیاست مالی بر خلاف سیاست پولی تاثیر شدیدی در افزایش تولید داشته است و باعث افزایش تقاضای انرژی نیز شده است. همچنین اثرات سیاست مالی بر اساس استانهای مختلف متفاوت بوده است.

- نگیون و دینی^۲ (۲۰۲۱) به بررسی اثرات نامتقارن سیاست پولی و چرخه های تجاری بر ریسک پذیری بانک: شواهدی از بازارهای نوظهور آسیایی پرداخته است. در این مطالعه با استفاده از نمونه ای از ۲۱۲ بانک در ۱۳ اقتصاد نوظهور آسیایی طی سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۹ مورد بررسی قرار گرفته است یافته ها بیانگر آن است که تأثیرات سیاست پولی و نوسانات کلان اقتصادی مشروط به ویژگی های بانک محور است. بانکها در دوره های رونق پایدارتر و در دوره های رکود ریسک بیشتری دارند. علاوه بر این، اثرات رشد اقتصادی و رکود نیز به ویژگی های خاص بانک مانند اندازه، نقدینگی و سرمایه گذاری بستگی دارد. همچنین یافته ها نشان می دهد اندازه بانک، سرمایه گذاری، کارایی و تنوع نیز نقش حیاتی در کاهش پیامدهای نامطلوب یک سیاست پولی انبساطی بر ریسک پذیری بانک دارند.

- مالیک^۳ (۲۰۱۶) به بررسی اثرات سیاست پولی و مالی با استفاده از رویکرد Panel VAR برای کشورها نوظهور برزیل، هند، چین، آفریقای جنوبی و روسیه پرداخته است. نتایج نشان می دهد شوکهای پولی انقباضی کاهش سطح تولید و افزایش نرخ بهره می شود. همچنین افزایش هزینه های دولتی دارای اثرات کینزی قوی بوده و باعث افزایش تولید می شود. و این شرایط حتی در شرایط بی ثباتی و بحرانها نیز صادق بوده است.

۱- Yunxian

۲. Nguyen & Dinh

۳ Mallick

-عصاری^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی: مقایسه‌ی کشورهای نفتی عضو اوپک و غیر نفتی در حال توسعه، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته" به بررسی ارتباط میان توسعه مالی و رشد اقتصادی پرداخته اند. در مطالعه مذکور رابطه‌ی توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی با توجه به درآمدهای نفتی و در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری برای کشورهای عضو اوپک مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از تحقیق، دال بر تأثیر منفی توسعه‌ی مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای نفتی عضو اوپک است در حالی که همین رابطه در کشورهای در حال توسعه‌ی غیر نفتی، مثبت است. تأثیر توسعه‌ی مالی بر نرخ سرمایه گذاری در کشورهای عضو اوپک، با توجه به نتایج حاصل از تخمین منفی است، در حالی که درآمدهای نفتی تأثیر مثبتی بر رشد سرمایه گذاری داشت.

- زورکی و همکاران (۱۴۰۱) ، به بررسی تحلیل اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر اقتصاد زیرزمینی در ایران با تاکید بر ابزارهای سیاست مالی دولت پرداخته اند. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش در دو قالب بر مبنای رهیافت خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی حاکی از آن است که اندازه کل، جاری و عمرانی دولت با اثری معکوس و بار مالیاتی کل و بار مالیات غیرمستقیم با اثری مستقیم بر اقتصاد زیرزمینی همراه بوده و مالیات مستقیم اثر معناداری ندارد. با توجه به روند کاهشی در اندازه دولت و روند تقریباً افزایشی در بار مالیاتی، می‌توان اذعان داشت که کاهش در اندازه دولت و افزایش در بار مالیاتی، بر روند افزایشی اندازه نسبی اقتصاد زیرزمینی موثر بوده است. همچنین نرخ ارز غیررسمی و نرخ تورم نیز اثری مستقیم بر اقتصاد زیرزمینی دارند، ولی از نظر اندازه، نرخ تورم کم‌کشش است، لذا با توجه به کشش بالای اقتصاد زیرزمینی به بار مالیاتی، دولت می‌بایست ترکیب مناسبی از اجزای مالیاتی را با توجه به کشش آن‌ها در نظر بگیرد و با تعریف دقیق وظایف دولت و کاهش هزینه های جاری و اختصاص هزینه‌های بیشتر عمرانی بتواند اقتصاد زیرزمینی را، کنترل و تا حدودی کاهش دهد.

- رضایی و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر سیاست پولی بر بازدهی و بی‌ثباتی بازار سهام (مقایسه‌ای بین ابزارهای سیاست پولی در ایران) به بررسی پویایی‌های تأثیر سیاست پولی بر بازده و بی‌ثباتی بازار سهام با استفاده از مدل خود رگرسیونی برداری ساختاری در دوره ۱: ۱۳۷۱Q تا ۴Q: ۱۳۹۵ در ایران پرداخته است. در این مطالعه، اثر سیاست پولی از طریق ابزارهای پولی مختلف مورد استفاده بانک مرکزی بر بازار سهام مورد بررسی قرار گرفته است. برای نشان دادن عملکرد سیاست پولی از چهار متغیر نرخ سود موزون، نرخ رشد پایه پولی، نسبت سپرده قانونی و رشد بدهی بانک‌های تجاری به بانک مرکزی به‌عنوان ابزار سیاست پولی استفاده شده است. نتایج تابع عکس‌العمل آنی نشان می‌دهد که ابزارهای سیاست پولی بر بازدهی و بی‌ثباتی بازار سهام تأثیر ندارند. نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی نیز بیانگر این است که سهم ابزارهای پولی در توضیح دهندگی تغییرات بازدهی و بی‌ثباتی بازار سهام ناچیز و برای هر کدام کمتر از ده درصد می‌باشد هرچند سهم پایه پولی از بقیه بیشتر است، در نتیجه می‌توان گفت ابزارهای سیاستی بانک مرکزی اثرگذاری خاصی بر رفتار و بی‌ثباتی بازار سهام ندارند.

- مهدیلو و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ی مکانیزم انتقال غیرخطی سیاست پولی از کانال قیمت مسکن در ایران را بررسی نموده‌اند در این مطالعه سعی شده است مکانیزم انتقال غیرخطی سیاست پولی از طریق کانال قیمت مسکن مورد ارزیابی قرار گیرد. برای این منظور از تکنیک غیرخطی MSVAR و داده‌های سری زمانی اقتصاد ایران طی فصول ۱۳۷۰Q۱ تا ۱۳۹۴Q۴ استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از غیرخطی بودن اثرات سیاست پولی بر اقتصاد از کانال قیمت مسکن بوده است. به‌طوری که در سال‌های بعد از ۱۳۸۷ (رژیم صفر)، سهم کانال قیمت مسکن در انتقال سیاست پولی بر تولید کمتر از سال‌های قبل از ۱۳۸۷ (رژیم یک) بوده است. همچنین در رژیم صفر نسبت به رژیم یک، آثار سیاست پولی بیشتر بر قیمت‌ها اثرگذار بوده‌اند. همچنین نتایج دلالت بر این دارد که سهم قیمت مسکن در نوسانات تولید در رژیم یک و در دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌ترتیب ۵۶ و ۵۰ درصد بوده که این مقدار

برای رژیم صفر در حدود ۷ و ۶ درصد می‌باشد. لذا کانال قیمت مسکن در رژیم صفر اهمیت کمتری نسبت به رژیم یک داشته است.

- وفامند و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی اثرات شوک‌های پولی بر تولید: رویکرد Markov-switching DSGE اثرات شوک‌های مثبت و منفی پولی را بر تولید در ایران با استفاده از مدل MS-DSGE طی دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۹۳ مورد آزمون و تحلیل قرار دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌های مثبت و منفی پولی در دوره رکود و همچنین در دوره رونق اقتصادی دارای اثرات نامتقارن بر رشد تولیدات داخلی بوده و میزان اثرگذاری شوک‌های پولی مثبت و منفی بر تولید، در دوران رکود نسبت به دوران رونق بیش‌تر است. با توجه به نتایج حاصل از مطالعه پیشنهاد می‌گردد به‌منظور تحقق اهداف اقتصادی، در صورت اعمال شوک‌های پولی ترجیحاً سیاست مورد نظر خود را در دوره‌های رکود اقتصادی اعمال کنند.

۲. فرضیه‌های تحقیق:

الف: فرضیه اصلی:

- شوک‌های سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی تاثیر گذار می‌باشد.

ب: فرضیه‌های فرعی:

- (۱) سیاست‌های مالی بر تولید ناخالص داخلی اثر گذار می‌باشد
- (۲) سیاست‌های مالی بر تولید شاخص قیمت‌ها اثر گذار می‌باشد
- (۳) سیاست‌های مالی بر نرخ ارز اثر گذار می‌باشد
- (۴) سیاست‌های مالی بر نرخ سود بانکی (نرخ بهره) اثر گذار می‌باشد
- (۵) سیاست‌های پولی بر تولید ناخالص داخلی اثر گذار می‌باشد
- (۶) سیاست‌های پولی بر تولید شاخص قیمت‌ها اثر گذار می‌باشد
- (۷) سیاست‌های پولی بر نرخ ارز اثر گذار می‌باشد
- (۸) سیاست‌های پولی بر نرخ سود بانکی (نرخ بهره) اثر گذار می‌باشد.

۳. روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است زیرا به بررسی روابط متغیرها در اقتصاد کلان پرداخته است و به دنبال تبیین روابط و ارائه پیشنهادهای جهت ارتقاء سیاستگذاری در اقتصاد کلان می‌باشد. و در جهت نشان داده چگونگی تاثیر گذاری متغیرهای کلان در کشورهای اسلامی می‌باشد. در ضمن این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی است و در میان انواع تحقیقات همبستگی از لحاظ هدف، جزء تحلیلهای رگرسیونی می‌باشد. و در مدل‌های رگرسیونی با توجه به تلفیق داده‌های سری زمانی با داده‌های مقطعی (داده‌های شرکتها) از روش اتورگرسیون پانل دیتا برای رسیدن به اهداف تحقیق استفاده می‌گردد. ضمن اینکه رویکرد آن استقرایی، یعنی رسیدن از جزء به کل است. و با استفاده از داده‌های کشورهای اسلامی در تلاش به رسیدن نتیجه اثرات سیاستهای کلان در کشورهای اسلامی است.

نظر به اینکه این تحقیق از اطلاعات واقعی در کشورهای اسلامی (اطلاعات تاریخی) استفاده می‌کند و در صد بررسی علت یا علل روابط معینی است که در گذشته روی داده و به اتمام رسیده، پس از نوع علی و پس رویدادی است. پژوهش پس رویدادی معمولاً به پژوهش‌های گفته می‌شود که در آنها پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. بعبارت دیگر این نوع پژوهش گذشته نگری بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی برسد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از داده‌های بانک جهانی بصورت سالانه استخراج گردید.

۴. نتایج و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

-مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی و پولی بر متغیرهای کلان

در ادامه و در ذیل به بررسی مقایسه تطبیقی بین کشورهای عمده اسلامی پرداخته می‌شود:

۴-۱- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی برای کشورهای اصلی اسلامی در جدول ۴-۱ نشان داده شده است.

جدول ۴-۱ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	مراکش	۰,۸۹۹	معنی دار
۲	پاکستان	۰,۸۹	معنی دار
۳	مالزی	۰,۸۸	معنی دار
۴	عربستان	۰,۵۸	معنی دار
۵	ایران	۰,۵۷	معنی دار
۶	اندونزی	۰,۵	معنی دار
۷	مصر	۰,۴	معنی دار
۸	نیجریه	۰,۳۸	معنی دار
۹	بنگلادش	۰,۱۲	معنی دار
۱۰	ترکیه	- ۰,۶	معنی دار
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که کشور مراکش و پاکستان به ترتیب دارای بیشترین اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی می باشند. همچنین این اثرات بجز برای کشور ترکیه، برای بقیه کشورها مثبت و معنی دار می باشد و منفی بودن برای کشور ترکیه به احتمال زیاد بخاطر وضعیت آشفته اقتصادی و تورم بالا در سالهای گذشته ای این کشور بوده که با اجرای سیاست پولی انبساطی بر آشفتگی بیشتر این کشور دامن می زد.

۴-۲- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۴-۲ نشان داده شده است.

جدول ۴-۲: مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)

معنی دار	۰/۹۳	عربستان	۱
معنی دار	۰/۹۱	ترکیه	۲
معنی دار	۰/۸۸	ایران	۳
معنی دار	۰/۶۷	اندونزی	۴
معنی دار	۰/۶۲	پاکستان	۵
معنی دار	۰/۴۵	مراکش	۶
معنی دار	۰/۴	بنگلادش	۷
معنی دار	۰/۲۳	مالزی	۸
معنی دار	۰/۱	مصر	۹
معنی دار	۰/۶۲-	نیجریه	۱۰
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که سیاست مالی به ترتیب در کشورهای عربستان سعودی، ترکیه و ایران داری بیشترین اثرات بر تولید ناخالص داخلی می باشد. همچنین این اثرات بجز برای کشور نیجریه ، برای بقیه کشورها مثبت و معنی دار می باشد

۳-۴- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر شاخص قیمتها

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست پولی بر شاخص قیمتها برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۴-۳ نشان داده شده است.

رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	مصر	۲/۵۵	معنی دار
۲	پاکستان	۱/۶	معنی دار
۳	مراکش	۱/۳	معنی دار
۴	نیجریه	۰/۷۵	معنی دار
۵	اندونزی	۰/۶۲	معنی دار

معنی دار	۰/۳۲	ایران	۶
معنی دار	۰/۱۵	ترکیه	۷
معنی دار	۰/۰۹	مالزی	۸
بی معنی	۰/۶۶	بنگلادش	۹
بی معنی	۰/۱۴	عربستان	۱۰
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که سیاست پولی به ترتیب در کشورهای مصر، پاکستان داری بیشترین اثرات بر شاخص قیمتها می باشد. همچنین این اثرات برای کشورهای بنگلادش و عربستان بی معنی، و برای بقیه کشورها مثبت و معنی دار می باشد

۴-۴- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر شاخص قیمتها

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست مالی بر شاخص قیمتها برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۴-۴ نشان داده شده است.

جدول ۴-۴ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر شاخص قیمتها			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر(معنی دار بی معنی)
۱	عربستان	۲,۸	معنی دار
۲	ایران	۲,۱۱	معنی دار
۳	بنگلادش	۲,۰۶	معنی دار
۴	مصر	۰,۶۷	معنی دار
۵	ترکیه	۰,۱۹	معنی دار
۶	مالزی	۰,۰۳	معنی دار
۷	نیجریه	۰,۴۷-	معنی دار
۸	مراکش	۰,۶۶-	معنی دار
۹	پاکستان	۱,۲۲-	معنی دار

بی معنی	۰,۱۵	اندونزی	۱۰
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که اثرات سیاست مالی بر شاخص قیمتها به ترتیب در کشورهای عربستان و ایران داری بیشترین اثرات می باشد. همچنین این اثرات برای کشورهای نیجریه، مراکش و پاکستان منفی و معنی دار و برای کشور اندونزی بی معنی می باشد.

۴-۵- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر نرخ ارز

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست پولی بر نرخ ارز برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۴-۵ نشان داده شده است.

جدول ۴-۵ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر نرخ ارز			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	ترکیه	-۶,۷	معنی دار
۲	پاکستان	-۱,۳	معنی دار
۳	اندونزی	۱,۱	معنی دار
۴	مصر	-۱,۰۷	معنی دار
۵	مراکش	-۰,۸۳	معنی دار
۶	ایران	۰,۷۳	معنی دار
۷	نیجریه	۰,۵۴	معنی دار
۸	عربستان	۰,۱۶	معنی دار
۹	مالزی	۰,۷۹	بی معنی
۱۰	بنگلادش	-۰,۲۵	بی معنی
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که اثرات سیاست پولی بر نرخ ارز در قالب تاثیر مثبت؛ تاثیر منفی و کشورهایی با عدم تاثیر گذاری قابل تحلیل می باشد. در

قدرمطلق تاثیری گذاری می توان گفت به ترتیب کشورهای ترکیه و پاکستان دارای بیشترین تاثیر گذاری می باشد و کشور عربستان دارای کمترین تاثیر گذاری می باشد و تاثیر برای کشورهای مالزی و بنگلادش بی معنی می باشد همچنین کشور ایران در میان کشورها در رتبه ششم قرار دارد.

۶-۴ مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۶-۴ نشان داده شده است.

جدول ۶-۴ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	ترکیه	۱/۹	معنی دار
۲	عربستان	۱/۰۱-	معنی دار
۳	پاکستان	۰/۹۹	معنی دار
۴	بنگلادش	۰/۷۹	معنی دار
۵	ایران	۰/۷-	معنی دار
۶	اندونزی	۰/۵۸-	معنی دار
۷	مراکش	۰/۴۳	معنی دار
۸	مصر	۰/۲۷-	معنی دار
۹	مالزی	۱/۲۲-	بی معنی
۱۰	نیجریه	۰/۳۴	بی معنی
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز در قالب تاثیر مثبت؛ تاثیر منفی و کشورهای با عدم تاثیر گذاری قابل تحلیل می باشد. در قدرمطلق تاثیری گذاری می توان گفت به ترتیب کشورهای ترکیه و عربستان دارای بیشترین تاثیر گذاری می باشد و کشور مصر دارای کمترین تاثیر گذاری می باشد و تاثیر

برای کشورهای مالزی و نیجریه بی معنی می باشد همچنین کشور ایران در میان کشورها در رتبه پنجم قرار دارد.

۷-۴ مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر نرخ بهره

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۷-۴ نشان داده شده است.

جدول ۷-۴ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست پولی بر نرخ بهره			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	پاکستان	-۱۲٫۲	معنی دار
۲	مراکش	-۸٫۰۴	معنی دار
۳	عربستان	۳٫۰۷	معنی دار
۴	مصر	-۳٫۰۵	معنی دار
۵	اندونزی	-۰٫۷۷	معنی دار
۶	ترکیه	۰٫۶۶	معنی دار
۷	نیجریه	-۰٫۷۲	معنی دار
۸	ایران	-۰٫۱۳	معنی دار
۹	بنگلادش	۱٫۰۳	بی معنی
۱۰	مالزی	-۰٫۵۳	بی معنی
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که اثرات سیاست پولی بر نرخ بهره در قالب تاثیر مثبت؛ تاثیر منفی و کشورهایی با عدم تاثیر گذاری قابل تحلیل می باشد. در قدرمطلق تاثیری گذاری می توان گفت به ترتیب کشورهای پاکستان و مراکش دارای بیشترین تاثیر گذاری می باشد و کشور ایران دارای کمترین تاثیر گذاری می باشد به احتمال زیاد به علت دستوری بودن تعیین نرخ بهره در ایران علت اصلی پایین بودن تاثیر گذاری سیاست پولی می باشد. همچنین تاثیر برای کشورهای مالزی و بنگلادش بی معنی می باشد

۸-۴- مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر نرخ ارز

نتایج حالت مقایسه ای بین اثرات سیاست مالی بر نرخ بهره برای کشورها اصلی اسلامی در جدول ۸-۴ نشان داده شده است.

جدول ۸-۴ : مقایسه تطبیقی اثرات سیاست مالی بر نرخ بهره			
رتبه	کشور	میزان اثرات	نوع اثر (معنی دار بی معنی)
۱	پاکستان	۸	معنی دار
۲	مراکش	۴,۶	معنی دار
۳	عربستان	۴,۵-	معنی دار
۴	بنگلادش	۳,۲	معنی دار
۵	ایران	۰,۸۹	معنی دار
۶	ترکیه	۰,۸۳	معنی دار
۷	مالزی	۰,۸۱	معنی دار
۸	اندونزی	۰,۴	معنی دار
۹	مصر	۰,۲۸	معنی دار
۱۰	نیجریه	۴,۶-	بی معنی
منبع: یافته های تحقیق			

نتایج مقایسه تطبیقی نشان می دهد که اثرات سیاست مالی بر نرخ بهره در قالب تاثیر مثبت؛ تاثیر منفی و کشورهایی با عدم تاثیر گذاری قابل تحلیل می باشد. در قدرمطلق تاثیری گذاری می توان گفت به ترتیب کشورهای پاکستان و مراکش دارای بیشترین تاثیر گذاری می باشد و کشور مصر دارای کمترین تاثیر گذاری می باشد و تاثیر برای کشور نیجریه بی معنی می باشد همچنین کشور ایران در میان کشورها در رتبه پنجم قرار دارد.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

جدول ۵-۱: چهارچوب داده های استفاده شده تحقیق

ردیف	علت انتخاب	کشورهای انتخاب شده
مدل VAR	موجود بودن داده های سری زمانی تحقیق بین سالهای ۱۹۷۷-۲۰۲۲	ایران-اندونزی-مصر-مالزی- عربستان-ترکیه- پاکستان- نیجریه - مراکش -- بنگلادش ده کشور
مدل PANLVAR	برای برخی از کشورها کمبود داده برای سالهای قبل ۲۰۰۰ وجود دارد. لذا در قالب مدل PANLVAR تخمین زده می شود. و داده های کشورها بین ۲۰۰۰-۲۰۲۲ می باشد.	ایران-اندونزی-مصر-مالزی- عربستان-ترکیه- امارات-قطر - پاکستان - عمان -نیجریه - مراکش -جمهوری آذربایجان - بنگلادش -عراق - سودان- تونس-ازبکستان -اردن -کویت بیست کشور

در نتیجه چهارچوب تحقیق بصورت ذیل خواهد بود:

۱- اثرات سیاست پولی و مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی برای ده کشور ایران-اندونزی-مصر-مالزی-عربستان-ترکیه- پاکستان-نیجریه - مراکش - بنگلادش بصورت تکی بر اساس رویکرد VAR صورت گرفته و بصورت تطبیقی مقایسه می شود.

۲- اثرات سیاست پولی و مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی برای بیست کشور اسلامی ذکر شده در جدول ۵-۱، معادلات در قالب PANEL-VAR تخمین زده و فرضیه های تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

-تحلیل سیاستی فرضیه یک:

با توجه به اینکه اثر سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی مثبت و معنی دار می باشد لذا برای رشد تولید و افزایش تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی می توانند از سیاست مالی انبساطی استفاده نمایند. و زمانی که اقتصاد در رکورد می باشد از سیاست پولی انبساطی جهت تحریک تولید استفاده نمایند.

-تحلیل سیاستی فرضیه دو:

با توجه به اینکه اثر سیاست مالی بر شاخص قیمت مصرف کننده مثبت و معنی دار می باشد لذا اجرای سیاست مالی انبساطی باعث افزایش قیمتها می شود لذا در صورتیکه سیاستگذار طبق تحلیل سیاستی فرضیه یک از سیاست مالی جهت افزایش تولید استفاده نماید بایستی در کنار این سیاست عواقب افزایش قیمتها را نیز بپذیرد لذا لازم

است سیاستگذار در بکارگیری سیاست مالی جهت افزایش تولید احتیاط لازم را داشته باشد.

-تحلیل سیاستی فرضیه سه:

با توجه به اینکه اثر سیاست مالی بر نرخ ارز منفی و معنی‌دار می‌باشد این امر به احتمال زیاد به علت ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی (به ویژه کشورهای مورد بررسی که نفت خیز نیز می‌باشند) بر می‌گردد که با اجرای سیاست مالی انبساطی (و خرج دلار نفتی) باعث کاهش قیمت ارز کنترل نرخ ارز می‌گردد. لذا در هدفگذاریهای سیاستی در خصوص کنترل نرخ ارز می‌توانند از سیاست مالی انبساطی استفاده نمایند.

-تحلیل سیاستی فرضیه چهار:

با توجه به اینکه اثر سیاست مالی بر نرخ بهره مثبت و معنی‌دار می‌باشد لذا درباره بکارگیری سیاست مالی انبساطی احتیاط لازم را داشت چون در کشورهای اسلامی یکی از مهمترین موضوعات حذف و یا کنترل نرخ بهره در سطوح پایین می‌باشد. لذا هر گونه سیاستی که منجر به فشار جهت افزایش نرخ بهره صورت پذیرد بایستی با احتیاط صورت پذیرد.

-تحلیل سیاستی فرضیه پنجم:

با توجه به اینکه اثر سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی مثبت و معنی‌دار می‌باشد لذا برای رشد تولید و افزایش تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی می‌توانند از سیاست پولی انبساطی استفاده نمایند. و زمانی که اقتصاد در رکورد می‌باشد از سیاست پولی انبساطی جهت تحریک تولید استفاده نمایند.

-تحلیل سیاستی فرضیه ششم:

با توجه به اینکه اثر سیاست پولی بر شاخص قیمت مصرف کننده مثبت و معنی‌دار می‌باشد با توجه به لذا اجرای سیاست پولی انبساطی باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود لذا در صورتیکه سیاستگذار طبق تحلیل سیاستی فرضیه پنجم از سیاست پولی جهت افزایش تولید استفاده نماید بایستی در کنار این سیاست عواقب افزایش قیمت‌ها را نیز بپذیرد و در مواقعی که اقتصاد در موقعیت رونق است حداقل امکان سیاست پولی انبساطی را با احتیاط اجرا نماید.

-تحلیل سیاستی فرضیه هفتم:

با توجه به اینکه اثر سیاست پولی بر نرخ ارز مثبت و معنی‌دار می‌باشد لذا اجرای سیاست پولی انبساطی باعث افزایش نرخ ارز می‌گردد لذا در صورتیکه

سیاستگذار طبق تحلیل سیاستی فرضیه پنجم از سیاست پولی جهت افزایش تولید استفاده نماید بایستی در کنار این سیاست عواقب افزایش نرخ ارز را نیز بپذیرد و در مواقعی که اقتصاد در موقعیت رونق است حداقل امکان سیاست پولی انبساطی را با احتیاط اجرا نماید.

-تحلیل سیاستی فرضیه هشتم:

با توجه به اینکه اثر سیاست پولی بر نرخ بهره منفی و معنی‌دار می‌باشد لذا در مواقعی که نیاز به اجرای سیاست کاهش نرخ بهره در اقتصاد وجود داشت، کشورهای اسلامی می‌تواند با اجرای سیاست پولی انبساطی باعث کاهش نرخ بهره گردند.

۵. منابع و ماخذ

- داودی پرویز و سزاوار محمد رضا (۱۴۰۱): بررسی افزایش نرخ ارز و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم، پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) دوره ۲۲، شماره ۴، ص ۹۹-۱۱۷
- زورکی شهریار؛ نصرنژاد سحر و توسلی نیا علی (۱۴۰۱) ، تحلیل اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر اقتصاد زیرزمینی در ایران با تأکید بر ابزارهای سیاست مالی دولت، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره: ۵۷، شماره: ۱
- غنی نژاد موسی (۱۳۹۶) ، اقتصاد و دولت در ایران ، انتشارات تهران : دنیای اقتصاد.
- مهدیلو، علی، اصغرپور، فلاحی، فیروز (۱۳۹۸) . مکانیزم انتقال غیرخطی سیاست پولی از کانال قیمت مسکن در ایران: رویکرد MSVAR ، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۹۰، ۴۹۹-۴۵۵.
- وفامند، علی حقیقت و چعفر، فلاحی (۱۳۹۷) . بررسی اثرات شوکهای پولی بر تولید: رویکرد Markov-switching DSGE. فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۲۶ (۸۸) ، ۲۴۴-۲۰۹.
- ونسنت اندرو (۱۳۹۱) نظریه های دولت ، مترجم : حسین بشیریه تهران انتشارات نشر نی .

-Alvarez, J., and Arellano, M. (2003). The time series and crosssection asymptotics of dynamic panel data estimators. *Econometrica* 71, 1121-1159.

-Aragon, E. K. and Portugal, M. S.(2009), "Asymmetric Effects of Monetary Policy in brazil", *Estudos Economicos*, vol.39 no.2, pp. 277-300.

-Nguyen Canh and Dinh Thanh (2011) , Asymmetric impacts of monetary policy and business cycles on bank risk-taking: Evidence from Emerging Asian markets, The Journal of Economic Asymmetries, Volume 24, November 2021, e00221.

-Weise, C.(1999), "The Asymmetric Effects of Monetary Policy: A Nonlinear VectorAutoregression Approach", Journal of Money, Credit and Banking, Vol 31, pp. 85–108.

-Yunxian Wang, Xin Wang, Zheng Zhang, Zhanmin Cui, and Yuan Zhang (2023) Role of fiscal and monetary policies for economic recovery in China, conomic Analysis and Policy.